

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

ملک الشعراء
استاد محمد نسیم «اسیر»

آب تا گلو!!!

از بخش دوم «فریاداسیر»

طنز

از عجب خان چنین خبر آمد	که ز دل زنگ غصه بر آمد
تا که در جرمنی مُقیم شده	فارغ از خوف و ترس و بیم شده
زیر نام مهاجر افغان	بخت او شاد و مشکلتش آسان
چَتی اش مُهر* و ساعتش تیر است	تنش آسوده، اشکمش سیر است
دلش از هر جهت گرفته قرار	کور، کالی و دودی است تیار
دور از رنج و زحمت و تشویش	باده نوشد بجای بنگ و حشیش
آن که یک توشک و لحاف نداشت	از ضعیفی گره به ناف نداشت
شده گردن کلفت همچون غول	میکند ظرف کهنه «اشپرمول»
همگی بی نیاز و بی پروا	کله ها شخ شده ست و سربالا
نه تنی خسته از مصیبت کار	نه دلی رنجه از گپ و گفتار
نه پی کسب نان عرق ریزان	نه برای لباس سرگردان
نه به فکر و خیال چوب و ذغال	که کند قرض پیشکی هر سال
نه غم حاضری، نه کسر مُعاش	نه پی خوردنی به سعی و تلاش
نه به دل فکّر آمر و مأمور	که دهد حاضری ضرور، ضرور
بس که آسوده حال و آرام است	فارغ البال و شهد در کام است

هیچ‌گه یاد از وطن نـکند لب خود تر، درین سخن نکند
که دران سرزمین چه می‌گذرد هر دم از جنگ و کین چه می‌گذرد
همه در مرگ و میر و حیرانی هـدف راکت اند و ویرانی
سخت رفته به عیش و نوش فرو
بچه در آب و آب تا به گلو

توضیحات:

- * – "چتی" کسی مُهر شدن" اصطلاح کابلی و کنایه از "پول مفت بدست کسی آمدن" است. "چتی" (به کسرتین) کلمه هندی ست و مراد از آن همانا "قبض" و "رسید" و "کاغذ"ی ست که به موجب آن چیزی را دریابند.
- ** – "شپرمول" همانا کلمه Sperrmüll المانی ست و مراد از اشیای ناکارآمد و اضافی ست که هر خانه بیرون کشیده و در کنار پیاده رو می‌گذارد، تا دیگران از آن استفاده کنند و بقیه را تنظیفات شهر تصفیه نماید. و این کار در شهرهای خرد، معمولاً سال یکی دو بار صورت می‌گیرد.
- *** – "بچه در آب و آب تا به گلو" بر مثل معروف کابلی "آب تا گلو، بچه زیر پای" ترتب دارد.

(بن – المان، 15 جنوری 1987م)